

شناخت نامه چرخه یادگیری

چکیده پژوهشی برای مدیران ارشد

از تشدید تنش تا تسریع آتش بس

اندیشکده‌های غربی چه توصیه‌های سیاستی برای پیشبرد جنگ در اختیار آمریکا قرار می‌دهند؟

هسته سخت امنیتی و نظامی این کشور نیز دیگر بازیگر تعیین‌کننده محسوب می‌شود و اندیشکده‌ها دارای نفوذ بر تصمیمات این هسته و لحاظ کردن ترجیحات این هسته در ارائه خدمات مشورتی هستند. با وجود این که از جزئیات رهیافت‌ها و توصیه‌های سیاستی این محافل، بخش‌های زیادی در تولیدات رسانه‌ای‌شان انعکاس نمی‌یابد، اما به هر حال، کلیت توصیه‌های سیاستی آن‌ها با رجوع به محتوای خبری، گزارش‌ها، و اسناد منتشر شده و عمومی‌شان روشن می‌شود.

محتوای مورد تحلیل

بررسی حاضر به تحلیل محتوای مطالب تولید شده توسط این اندیشکده‌ها پس از تهدیدهای ترامپ می‌پردازد. برای این بررسی، مطالبی گزینش شده‌اند که حاوی توصیه سیاستی به آمریکا و رژیم صهیونیستی و هم‌پیمانان آن‌ها در زمینه پیشبرد جنگ بوده‌اند؛ و بنا بر این، مطالبی که صرفاً حاوی گزارش و تحلیل اخبار و تحولات جنگ، خسارات و آثار جانبی جنگ، و زمینه‌های تحقق آن هستند، کنار گذاشته شده‌اند. برشمردن مضمون‌های مندرج در این محتواها، از ده محور مهم و مستقل سیاستی در آن‌ها پرده برمی‌دارد که در تصویر قابل ملاحظه است. لازم به ذکر است اغلب محتواها به بیش از یک مضمون راهبردی پرداخته‌اند.

شناخت‌نامه تلاش می‌کند با چکیده‌ای از شواهد برآمده از پژوهش‌های تخصصی شناختیک، چرخه یادگیری از رخدادهای و اقدامات سیاستی را تکمیل کرده و برای حکمرانی بهتر، گام‌های کوتاه‌مدت و موفقیت‌های کوچک پیشنهاد دهد.

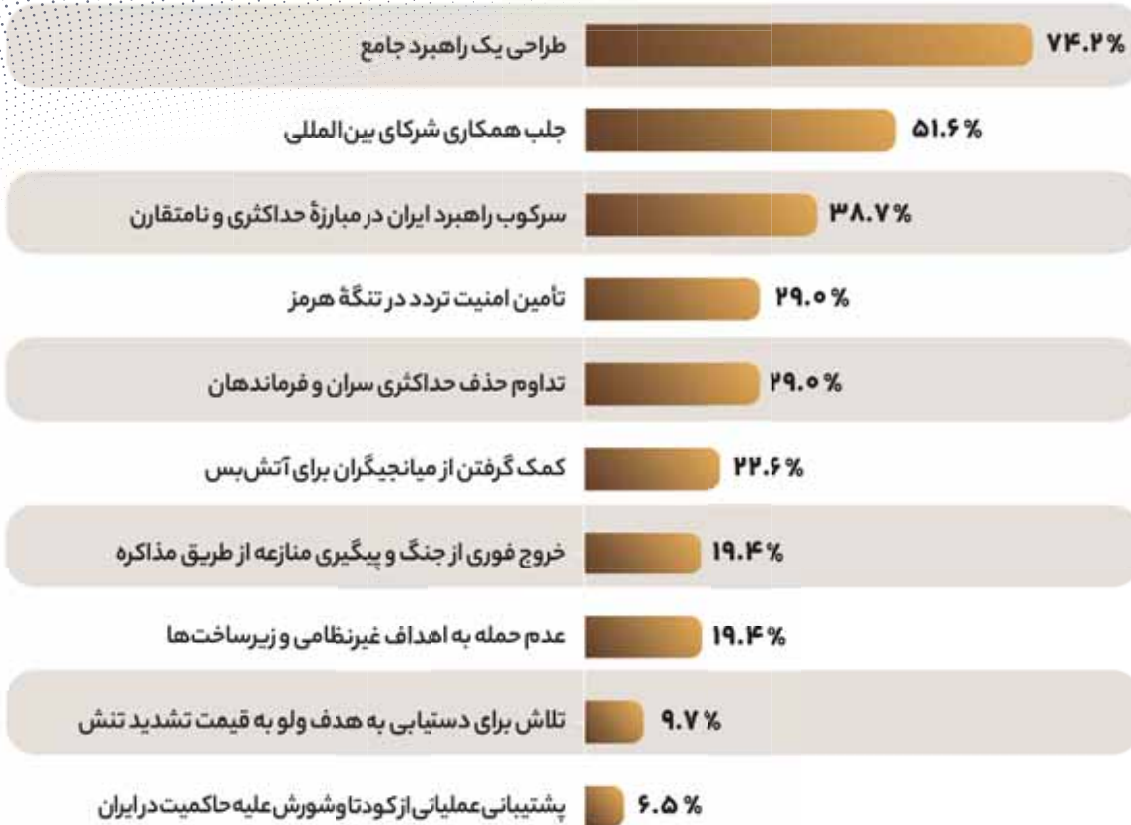
مقدمه

جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ملت ایران در شرایطی هفته پنجم خود را پشت سر گذاشته که رئیس جمهور آمریکا از اولتیماتوم ۴۸ ساعته خود به ایران برای بازگشایی تنگه هرمز، یک بار، برای پنج روز، و بار دوم، برای ده روز عقب‌نشینی نمود. اکنون و پس از عبور از موج اولیه جنگ، لازم است برنامه دشمن برای شیوه پیشبرد جنگ و نیل به اهداف جنگی مورد توجه قرار گیرد و واکنش مناسب اتخاذ گردد. یکی از منابع این جست‌وجو تولیدات محتوایی اندیشکده‌ها ست.

اهمیت بررسی گزارش‌های اندیشکده‌ها

در شرایط فعلی، اگر چه شاید اندیشکده‌ها تأثیرگذاری چندانی بر تصمیمات رئیس جمهور آمریکا در زمینه راهبرد جنگی نداشته باشند، اما حتی با این فرض نیز، در این نبرد اثرگذار و تصمیم‌ساز هستند. چرا که در تصمیمات امنیتی و نظامی آمریکا، در کنار رئیس جمهور،

میزان تکرار سیاست در تولیدات اندیشکده‌ها



تصویر ۱. محتوای توصیه‌های سیاستی اندیشکده‌های مهم پیرامون شیوه پیشبرد جنگ از سوی آمریکا و رژیم صهیونیستی

توجه نموده و با ارائه پیشنهادهایی خواستار آن شده‌اند که اهداف نهایی تعیین و اعلام شوند. به عبارت دیگر، می‌توان گفت فراتر از افکار عمومی، جامعه اندیشکده‌ای نیز نسبت به این که چرا این جنگ آغاز شده و در نهایت قرار است به چه اهدافی دست پیدا کند، توجیه نشده و سردرگم است. قضاوت درباره تناسب راهبردها و میزان موفقیت عملیات وابسته به این پیش‌شرط ضروری است.

تحلیل نتایج

خلاصه‌ای از نتایج این تحلیل به این شرح است:

❖ یکی از نکات مهم حاصل از این تحلیل، اذعان اندیشکده‌ها به نبود راهبرد معین در نبرد، چه برای ورود به آن، چه در شیوه تداوم آن، و چه در انتظارات مطلوب از دستاوردهای یک توافق نهایی پس از آن در دولت ترامپ است؛ به طوری که بیش از ۷۴ درصد محتواها به این مسئله

❖ بیش از ۴۸ درصد محتواها ورود سایر کشورها به عرصه نبرد در مقابل ایران را ناگزیر دانسته‌اند و لذا دولت را به جلب همکاری‌های بین‌المللی—آن چنان که در کمپین تحریم ایران و یا در نبرد افغانستان و عراق رخ داده بود—تشویق نموده‌اند. با این حال و با توجه به تحولات این سال‌ها که رفتار و گفتار ترامپ باعث شل شدن نسبی پیوندهای آمریکا با متحدان سابق شده است، و با توجه به حیاتی بودن سرنوشت این جنگ در معادلات بین‌المللی بسیاری از این محتواها به هم‌پیمانان سنتی آمریکا توصیه می‌کنند اگر نمی‌توانند بپذیرند در قالب یک ائتلاف به رهبری آمریکا به جنگ ورود کنند، مستقل از آمریکا به این کار مبادرت ورزند.

❖ حدود ۳۹ درصد محتواها به شیوه ایران در فاصله گرفتن از رفتار پیش‌بینی‌پذیر جنگی و با هدف وارد آوردن ضربات دردناک بر آمریکا و متحدان منطقه‌ای‌اش به شیوه‌ای حداکثری و نامتقارن اشاره کرده و تلاش حداکثری آمریکا برای ناکام نمودن ایران در این کارزار، با تقویت پدافندی منطقه و دفاع از زیرساخت‌های کشورهای منطقه را خواستار شده‌اند.

❖ حدود ۲۹ درصد از محتواها بازگشایی عبور و مرور در تنگه هرمز را اولویت اساسی عنوان نموده‌اند و خواسته‌اند نیروی نظامی آمریکا با در پیش گرفتن عملیاتی همچون اسکورت کشتی‌ها، استفاده از پهپادها و بالگردهای تهاجمی، مین‌روبی، و... به هر نحوی عبور و مرور در تنگه را مجدداً برقرار سازد.

❖ بیش از ۲۵ درصد محتواها به ترور هدفمند مسئولان و فرماندهان ایرانی به عنوان اقدامی مؤثر برای درهم‌شکستن ایران اشاره شده و به نحوی مورد استقبال قرار گرفته است. علیرغم این، تنها ۶٫۵ درصد از محتواها خواستار پتشیبانی عملیاتی نیروی نظامی آمریکا برای تغییر حکومت در ایران شده‌اند. این امر نشان‌دهنده این است که سیاست داخلی ایران دغدغه مهمی برای اندیشکده‌های آمریکایی نبوده و ترور سران، برای آنان صرفاً به عنوان یک تاکتیک در میدان مبارزه با ایران قلمداد می‌شود.

❖ حدود ۲۰ درصد از محتواها، پیشرفت زمان را مطابق منافع آمریکا ندانسته‌اند. از این منظر، مزمن شدن نبرد در این مقطع، دسترسی به یک توافق مطلوب آمریکا مشکل‌تر می‌نماید و از این رو خواستار آن شده‌اند که آمریکا زودتر زمینه را برای بازگشت به مذاکره و فشار به ایران برای پذیرش شروط ظالمانه فراهم نماید. بیش از ۲۲ درصد از محتواها راهبرد استقبال از میانجیگری یک کشور سوم (پاکستان، عمان، یا...) را در مذاکرات پیشنهاد نموده‌اند. خاستگاه این ضرورت، حفظ اقتصاد سیاسی بازار تجارت انرژی و کالا و نیز جلوگیری از تثبیت قدرت ایران بیان شده است.

❖ در حدود ۱۰ درصد از محتواها به صحنه مبارزه با ایران به عنوان یک نقطه عطف تاریخ‌ساز نگریسته شده که در آن باید مسئله ایران یکسره شود. در این محتواها، بروز هر گونه دشواری از جمله قیمت بالای انرژی، خسارت به کشورهای منطقه، خسارت‌های بالای نظامی، و

محتواهای اندیشکده‌ای که عموماً با پذیرش شکست و تجویز عقب‌نشینی فاصله عمیق دارد، و نیز تمرکز نسبتاً بالای اندیشکده‌ها بر سناریوهای مختلف تشدید تنش، تداوم هوشیاری دستگاه نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی و آماده‌باش برای همه این سناریوها را ایجاب می‌نماید.

مواردی از این دست هزینه‌های این نبرد تاریخی معرفی شده که اجتناب‌ناپذیر بوده و می‌بایست تحمل گردد. تشدید تنش، تهاجم نیروی زمینی، اشغال جزایر ایران، نابود کردن زیرساخت‌های ایران، درگیر شدن کشورهای هم‌سایه، و... راهبردهای متناظر با این مضمون را تشکیل می‌دهند.

مجموع این توصیه‌ها نشان‌دهنده نبود یک چارچوب راهبردی منسجم و وجود شکاف در فهم مسیر جنگ در میان اندیشکده‌های مختلف است. با این حال، لحن

شناختیک

پشتیبان مدیریت شواهدمحور
و توسعه مشارکتی ایران